



ناهمسویی ترکیب جنسی پذیرش دانشجویان در نظام آموزش عالی با کارکردهای مهارتی و شغلی مورد انتظار جامعه از دانشگاه

محمود سعیدی رضوانی^۱، (نویسنده مسئول)، دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی

مشهد

حسن اسلامیان^۲، پژوهشگر پسادکتری مستقر در پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی

مقدمه: در طی سالیان اخیر، نتایج بررسی‌های انجام‌شده در ارتباط با ترکیب جنسی پذیرش دانشجویان در نظام آموزش عالی، حاکی از پذیرش حداکثری دختران و حداقلی پسران در دانشگاه‌ها (به‌ویژه در برخی رشته‌های تحصیلی) است. به‌طور مثال آمار پذیرفته‌شدگان دوره کارشناسی در دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ عبارت بود از: تعداد پذیرش دانشجوی دختر: ۱۸۶ نفر (۹۱٫۶۲ درصد) و دانشجویان پسر: ۱۷ نفر (۸٫۳۸ درصد) (سایت دانشگاه فردوسی مشهد، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع، ۱۳۹۷). این پدیده که محصول فقدان مدیریت و مهندسی فرهنگی اجتماعی مطلوب در بدنه دولت‌ها و تأکید بر تحقق شاخص‌های توسعه‌ای نظیر رشد غیرمنطقی و تصنیعی آموزش بوده، در ابعاد مختلف می‌تواند بستر ساز تحولات مهمی در جامعه شود (ودادحیر، ۱۳۸۱). از جمله این تحولات می‌توان به تغییر جهت‌گیری پژوهش‌های علمی در دانشگاه، تغییر در الگوهای حاکم بر نظام اشتغال بازار کار و اشتغال حداکثری زنان در بازار کار نسبت به مردان و تغییر در ساختار نظام خانواده، نام برد. تحولات مزبور تا حد قابل توجهی با رسالت‌های تعلیم و تربیتی و کارکردهای مهارتی و شغلی و فرهنگی- اجتماعی مورد انتظار جامعه از نظام آموزش عالی، ناهمسو می‌باشد و می‌تواند بستر ساز بروز و ظهور چالش‌های متعددی در نظام آموزش عالی و جامعه شود. باین‌حال، برخوردهای شعاری، تبلیغاتی و احساسی نسبت به پدیده پذیرش حداکثری زنان نسبت به مردان در آموزش عالی، جرئت و جسارت را از محققان و پژوهشگرانی که درصدد بررسی ابعاد و پیامدهای این پدیده اجتماعی هستند، سلب کرده است و پژوهش‌های بایسته و درخور در این موضوع با مقاومت‌های جدی روبرو می‌شود. به نظر می‌رسد این امر سبب شده است که تحقیقات کافی در خصوص این مسئله صورت نگیرد و بسیاری از واقعیت‌های این پدیده اجتماعی این پدیده همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی بماند. این امر لزوم انجام پژوهش‌های جدی و به چالش کشیدن این

¹. Saeedy@Ferdowsi.um.ac.ir

². Eslamian.1362@ yahoo.com



پدیده اجتماعی از منظرهای متفاوت را آشکار می‌سازد. بر همین اساس در مطالعه حاضر، چالش‌ها و پیامدهای بروز و ظهور این پدیده تبیین گردید و راهکارهای پیشنهادی ارائه شد. روش تحقیق در مطالعه حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، توصیفی- تحلیلی و نیز استنتاجی است.

ترکیب نتایج: با استناد به مطالعات انجام شده (نظیر کاظمی پور، ۱۳۸۵؛ برکت، ۱۳۸۷؛ صابر، زنگنه و مهر علیزاده، ۱۳۹۱؛ ایمانی و مردی‌ها، ۱۳۹۱؛ برکت، ۱۳۸۷؛ رضایت و سلیمی، ۱۳۸۸؛ علیزاده، دانش و پروانه، ۱۳۹۶؛ نجاری و حسنی، ۱۳۹۷) و همچنین شواهد موجود اجتماعی و تجارب محققان مطالعه حاضر، مهم‌ترین چالش‌های پدیده پذیرش حداقلی پسران و حداکثری دختران در دانشگاه، مشتمل بر تغییر در الگوهای حاکم بر نظام اشتغال بازار کار و افزایش تمایل بازار کار و صاحبان مشاغل به جذب دختران و زنان و بهره‌کشی شغلی از آنان تغییرات مخرب در ساختار نظام خانواده و الگوی تقسیم کار خانگی در خانواده، افزایش سن ازدواج و کاهش نرخ باروری و فرزند آوری جامعه به دلیل نرخ اشتغال بالای زنان نسبت به مردان^۱ و عهده‌دار بودن تأمین نیازهای معیشتی خانواده‌ها، بروز تنش‌های فرهنگی و اجتماعی (و افزایش نرخ طلاق) در خانواده‌ها به دلیل مشکلات منبعث از برتری جایگاه تحصیلی و شغلی زنان نسبت به مردان و همچنین افزایش بیکاری و ضعف توان اقتصادی مردان به‌عنوان رکن اصلی تأمین نیازهای معیشتی خانواده، آسیب‌های روحی و افسردگی دختران به دلیل برآورده نشدن انتظارات شغلی آنان متناسب با تحصیلات دانشگاهی و عدم کسب هویت شغلی مناسب، تغییر جهت‌گیری پژوهش‌های دانشگاهی به دلیل عدم امکان حضور محققان زن در برخی محیط‌های مردانه و در نتیجه غفلت از مطالعاتی که نیاز به حضور پسران و مردان جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات است^۲ و بروز تنش میان دختران تحصیل کرده و نظام حاکمیتی- به دلیل ناکارآمدی سیستم در پاسخ‌گویی به مطالبات شغلی آنان، می‌باشد.

^۱ برخی معتقدند با توجه به این که عملاً نرخ اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به‌ویژه در حرفه‌های متناسب با شغل آنان، چندان بالا نیست، افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان زن به اشتغال مردان خللی وارد نمی‌کند؛ در پاسخ به انتقاد بالا باید دقت داشت که یکی از اهداف اصلی ما در دانشگاه و همایش‌های مربوط اشتغال نظیر همایش حاضر، همین امر، یعنی افزایش اشتغال پذیری فارغ‌التحصیلان- فارغ از جنسیت- آنان است. بنابراین هرچه این امر میمون، بیشتر محقق شود، ما با ضریب اشتغال بیشتر بانوان در مقایسه با مردان، مواجه خواهیم بود.

^۲ بررسی نویسندگان مقاله حاضر در زمینه پژوهش‌های انجام شده توسط اعضای هیئت علمی و دانشجویان رشته علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد در ارتباط با کلیدواژه‌های دانش آموزان، نوجوانان، مدرسه، دانشجو و نگرش، حاکی از آن است که در همه موارد تعداد پژوهش‌های مرتبط با جنس دختر، به شکل قابل توجهی از جنس پسر بیشتر است و این روند نسبت ناموزون پژوهش‌ها به نفع جنس دختر از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۷، به شدت افزایشی است.



نتیجه گیری: با نظر به بروز و ظهور آسیب‌ها و چالش‌های منبث از پدیده پذیرش حداکثری دختران در دانشگاه‌ها، ضرورت اتخاذ راهکارهای اثربخش در جهت کنترل و کاهش تأثیرات و پیامدهای منفی این پدیده توسط سیاست‌گذاران توسعه آموزش عالی، امری ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا تمهیدات و اقداماتی نظیر تخصیص سهمیه پذیرش برای دانشجویان پسر در آموزش عالی^۱، ترسیم فضاها و موقعیت‌های اقتصادی و شغلی دیگری علاوه بر از دانشگاه‌ها برای حضور و نقش‌آفرینی زنان، توجه دقیق و علمی به ویژگی‌ها و تفاوت‌های دو جنس در طراحی قلمروهای مطالعاتی و شغلی جدید برای فعالیت‌های اقتصادی- شغلی، فراهم ساختن زمینه نقش‌آفرینی مناسب دختران در مشاغل متناسب با ویژگی‌ها و ظرفیت‌های طبیعی و روحی دختران نظیر امور هنری، صنایع دستی، مهارت‌های مربوط به خانه و خانواده - جهت تحکیم ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و فرهنگ ایرانی و در رأس آن‌ها نهاد خانواده، توجه به عرصه‌های نوینی از میدان‌های حضور اجتماعی و اقتصادی بر اساس امکانات، قابلیت‌ها و واقعیت‌های بومی جامعه ایرانی و همچنین نگاه اقتصادی و واقع‌گرا به ورود جوانان به دانشگاه‌ها، می‌تواند راهگشا باشد.

منابع

- ایمانی، م و مردی‌ها، م. (۱۳۸۱). بررسی پیامدها افزایش زنان دانشجو، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- برکت، ن. (۱۳۸۷). اشتغال زنان در ایران. دورنما، چالش‌ها. حدیث زندگی. شماره ۴۰.
- دانشگاه فردوسی مشهد، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع (۱۳۹۷). <https://vpb.um.ac.ir/index.php?lang=fa>.
- رضایت، غ.م و سلیمی، ق.ع. (۱۳۸۸). تحلیلی بر پیامدهای افزایش میزان قبولی زنان در دانشگاه‌ها، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۵(۱۱): ۱۹-۲۰.
- صابر، ا. کرد زنگنه، آ؛ و مهر علیزاده، ی. (۱۳۹۱). بررسی افزایش حضور زنان در آموزش عالی و عدم تعادل آن با نیازهای بازار کار از منظر آمایش آموزش عالی. دومین همایش بین‌المللی آمایش آموزش عالی: نظریه‌ها و تجارب.
- علیزاده، آ؛ و دانش، پ. (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی سهمیه‌بندی جنسیتی در آموزش عالی ایران. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، دوره ۱۵، شماره ۱-۳۹: ۷-۱۰.
- کاظمی پور، ش (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن. پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱۰۳-۱۲۴: ۱۰۳-۱۲۴.

۱. لطفاً توجه کنید به‌عنوان نمونه نویسنده مسئول مقاله حاضر در زمان عهده‌دار بودن مدیریت دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، پیشنهاد تخصیص سهمیه پذیرش جنسیتی را مطرح نمود کرد و علیرغم اشتراک نظر اعضای هیئت‌علمی دانشکده در زمینه‌های اعتقادی و فرهنگی، برخی از اعضا با تأکید بر عنصر ارائه فرصت‌های برابر با مقوله توازن سهمیه جنسیتی موافق نبودند، اما با تلاش‌های انجام‌شده بعدی، تخصیص سهمیه پذیرش جنسیتی در برخی سال‌ها اعمال گردید و اسباب توازن حداقلی از حیث جنس را فراهم نمود.



انجمن مطالعات برنامه درسی ایران



اولین همایش ملی برنامه درسی و اشتغال

۱۳ و ۱۲
آذر ۹۹

The First National Conference on Curriculum & Employment

02nd & 03rd December 2020 | Ferdowsi University of Mashhad | Faculty of Education & Psychology

نجاری، م. و حسنی، م. (۱۳۹۷). تحلیل نابرابری فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی (مورد مطالعه: شهرستان‌های استان آذربایجان غربی). دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، دوره ۷، شماره ۱۴:۹۶-۷۶.
ودادهیر، ا.ع. (۱۳۸۷). زنان و آموزش عالی؛ تکوین هویتی نوین برای زنان در آموزش عالی ایران. فصلنامه کتاب زنان، دوره ۱۵، شماره ۱، ۱۲-۱۳.



سخنرانی

محور: برنامه درسی دانشگاهی و پرورش شایستگی‌های اشتغال‌پذیری